



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

172

برای
یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

6 اکتبر 2010 - 14 مهر 1389

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: siavash_d@yahoo.com

سر دبیر: سیاوش دانشور



**"ما این بحران را بوجود نیاورده ایم:
هزینه آن را بر دوش مسببین آن قرار دهید!"**

صفحه 4

علی جوادی



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

**مرگ بر جمهوری اسلامی،
در هر شکل و نوعی که باشد!**

صفحه 7

مهرداد کوشا

**وحشت سرمایه از
عروج جنبش سرخ**

سرمایه داری ایران دشمن واقعی خود را خوب میشناسد. بنا به اخباری که حزب دریافت کرده است اخیرا فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران در شهرهای تهران و سنندج و احتمالا شهرهای دیگر جلساتی توجیهی برای نیروهای سرکوبگر در سطح نیروهای کادری و وظیفه برگزار کرده اند. آنچه محور اصلی و تحلیلی بحث در این جلسات بوده است اعلام خطر و آماده باش برای تقابل با کارگران و مردم گرسنه است. یک تز تحلیلی این جلسات این بوده که جنبش سبز از نظر آنان تمام و پرونده اش بسته شده است. ولی نظام را جنبش دیگری تهدید میکند. جنبش جدیدی در راه است: جنبش سرخ.

اعداد بیجان، جهنم جانداران

صفحه 9

پدرام نو اندیش

روح سرگردان بورژوازی صنعتی

در حاشیه نامه "جمعی از کارگران ایران خودرو"

صفحه 11

سیاوش دانشور

**۱۰ اکتبر، روز اعتراض
جهانی علیه رژیم اسلامی
اعدام و سنگسار**

**علیه گرانی
و فقر!**

در صفحات دیگر: روز ۱۰ اکتبر علیه مجازات اعدام، اخراج گسترده کارگران پارس خودرو، اخراج کارگران تونل توحید تهران، اخراج کارگران ایستک، قطعنامه علیه گرانی و فقر، تظاهراتی 10 اکتبر، تشویق صاحبان کافی نت ها به جاسوسی، و ...

یادمان باشد که جهان نیز از ارگانهای حکومتی روز 31 مرداد سال گذشته مطلبی با عنوان "جنبش آبی ها در حال پیوند به آشوب سبز" به قلم محسن مهدیان منتشر کرد. این مطلب با اشاره به یک سری از اعتراضات کارگری از جمله در نساجی بوکان، لاستیک سازی دنا، پریس سنندج، نیشکر هفت تپه و اشاره به جوانی از کنترل کارگری خطرهای را

صفحه 2

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

وحشت سرمایه از عروج جنبش سرخ ...

گوشزد میکرد. این یادداشت جهان نیوز بلافاصله هشدار فوجانی و نشریه شهروند را در مورد فعالیت مارکسیستها در دانشگاه تهران تداعی میکرد که متعاقب آن هجوم گسترده ای قبل و بعد اعتراضات 13 آذر به دانشگاهها شروع شد و طیفی از دانشجویان چپ را دستگیر و زیر شکنجه بردند.

در آن یادداشت مهدیان از رکود اقتصادی رو به وخامت کشور، نارضایتی سرمایه داران و اتاق بازرگانی که از آنها با نام مستعار "فعالان بخش خصوصی" اسم میبرد، و بالا رفتن ریسک اقتصادی و سرمایه گذاری سخن گفت. آنزمان از افزایش 3 درصدی نرخ بیکاری، بیکاری 1646 کارگر تنها در یکماه و نیم، بحران و رکود در شرکتهای آلومینیوم و فولاد به ترتیب با کاهش تولید 50 درصد و بازدهی منفی 44 درصد، تعطیلی بیشتر کارخانه های شکر و کار کردن با ظرفیت پنجاه درصدی کارخانه هایی که هنوز تعطیل نشده اند، تعطیلی 60 درصد از صنایع تولید لوازم خانگی، توقف و تعطیلی 60 درصد مسکن و ساختمان سازی در تهران، 56 هزار میلیارد تومان بدهی بانکی، سقوط ممتد 150 شرکت بورسی و کاهش 42 درصد از مبادلات نظام بانکی بصورت چک از جمله آمارهای مهدیان در این یادداشت بود.

مهدیان با اشاره به اینکه وضعیت بخرنج اقتصادی تنها طی یکسال قدرت خرید کارگران را بیش از پنجاه درصد پائین آورده است، نتیجه گرفته بود "با افزایش نقدینگی کنترل و مهار تورم به شیوه قبل از انتخابات دیگر ممکن نخواهد بود". چرا که نتیجه "رکود و ورشکستگی پیاپی

به اضافه اجرای قطره چکانی طرح حذف سوبسیدها که نگرانی از پیامدهای آن با هشدارهای مختلف در ماههای اخیر همراه بوده است، پایه مادی نگرانی حکومت اسلامی و دلیل تشکیل چنین جلساتی است. آنچه در جلسات اخیر امنیتی ها و سرکوبگران گفته شده اجرای همین توصیه های مهدیان و جهان نیوز است.

شورش سرخ ها

در ایران سرمایه داری با عظیم ترین شکاف طبقاتی و بالاترین نرخ تورم و اختناق در قیاس با کشورهای با امکانات و ثروت بسیار کمتر، در کشوری که کارگران در انقلاب 57 با مبارزه شان کمر حکومت ژاندارم منطقه را شکسته اند، در کشوری که سنت مبارزه کمونیستی و سازمانهای شورائی کارگری قوی بوده است، در کشوری که اگر یک ذره فضا باز شود چپ از سر و کول جامعه بالا میروند، این تحرکات بورژواها و جریانات طرفدار حکومت معنی سیاسی روشنی دارد. حکومتی که راسا به استقبال خطر "شورش یقه آبی ها" رفته است، حکومتی که رسماً "مانور ضد تظاهرات کارگری" برگزار میکند، حکومتی که از "خطر شورش سرخ" به خوی میبیدد، حکومتی که کارگر را برای اعتراض به دستمزد پرداخت نشده اش میکشد و بطرف کودک معصومش شلیک میکند و زیر باتوم میگیرد، حکومتی که از خمینی و بنی صدر و موسوی و خامنه ای و رفسنجانی تا خاتمی و احمدی نژاد یک زبان واحد را با کارگران بکار برده است، این حکومت دشمن طبقاتی خود را خوب میشناسد حتی اگر توده کارگران خود به قدرت واقعی و اجتماعی خود آگاه نباشند.

همینطور موسوی و شرکا از واقعیات جامعه خبر دارند. به همین دلیل این اواخر سیاست شان را کمی به طرف کارگران و طرح مطالباتشان کج کردند. خودشان از همان ابتدا میدانستند که از "راه سبز امید" و "فانونگرایی" چیزی در نمی آید. این جماعت توهم ندارند که در ایران کارگر پشت اسلام نمیروند. تلاش میکنند نگذارند روی پای

خودش بایستد و پرچم طبقاتی اش را برافرازد. در مملکتی که کارگر زندانی هر روز در زندان مورد حمله و تهدید چاقوکشان دستگاه امنیتی است، تلاش برای بسیج کارگران پشت ارتجاع اسلامی یک عمل جنایتکارانه است. و همه کسانی که میدانند بورژوازی در آن مملکت چه به روز کارگر و خانواده های کارگری آورده و می آورد و فراخوان به بسیج کارگران پشت موسوی و یا جناحی از حکومت اسلامی میدهند، آگاهانه در جنایت سرمایه علیه کارگران شریک اند.

اما وضعیت عینی سیاسی و اقتصادی ایران، شکاف طبقاتی عمیق و فقر و گرسنگی وحشتناک، و اختناق که تاکنون توانسته این حکومت را سرپا نگهدارد، حکم بر برآمد جنبش کارگری علیه وضع موجود میدهد. وقتی همه راههای بالائی ها به بن بست میرسد، پائینی ها برای ورود به صحنه با پرچم مستقل آماده تر اند. و بالاخره این نکته گفتنی است که این دولت احمدی نژاد است که خود را برای تهاجم به کارگران آماده میکند. دولتی که بزم تحلیل های بی پایه عده ای مهجور سیاسی "رای اش را از کارگران" گرفته است. مبنای این تحلیل ها قبول صورت ظاهر همان عوامفریبی های تبلیغاتی احمدی نژاد است. این دولت بعنوان کارگزار باندهای اقتصادی و تراستهای مختلف با نیروی مجهز سرکوب بطور علنی علیه کارگران گرسنه اعلام جنگ کرده است. اما شکم گرسنه این حرفها سرش نمیشود. چند میلیون را میخواهید به کهریزک ها و بیدادگاههایتان ببرید؟ شما برای مزدورانتان هر جلسه توجیهی بگذارید یا نگذارید، برای بقای نظام منحوس ضد کارگری تان ناچارید به نام دفاع از منافع سرمایه داران انگل و دولت اسلامی با باندهای نظامی اش به کارگران شلیک کنید. اما با همین کارتان شیور قیام و انقلاب کارگری علیه نظم کثیف سرمایه داری اسلامی بصدا در می آید.

آمار یک میلیون بیکاری فقط در یکسال گذشته، روند پر شتاب تعطیلی کارخانجات و وضعیت وخیم اقتصادی رژیم اسلامی، تأثیرات تحریمها و تنگناهایی که به اقتصاد ورشکسته ایران تحمیل میکند،

۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی اعدام و سنگسار تبدیل کنیم!

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه مجازات اعدام است. بشریت دیر زمانی است که برای لغو مجازاتهای قرون وسطائی اعدام و سنگسار مبارزه میکند. اما هنوز در قرن بیست و یکم در بسیاری نقاط جهان، از آمریکا تا چین و ایران، بساط اعدام براه است. باید ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام، رژیم سنگسار، رژیم خالق گورهای دسته جمعی، رژیم خاوران ها و کهریزک ها تبدیل کرد.

اعدام قتل عمد دولتی است. هیچ دولتی تحت هیچ شرایطی حق ندارد جان کسی را بگیرد. کشتن عامدانه و گرفتن حق حیات انسانها، به هر دلیل و بهانه ای، حق هیچ دولت و قدرتی نیست. اعدام یک ابزار رژیم اسلامی و طبقات حاکم برای به انقیاد در آوردن جامعه و سربریز نگهداشتن مردم معترض است. اعدام باید لغو شود. قدرتها و حکومتهای مدافع اعدام و سنگسار باید سرنگون شوند. یک رکن تلاش ما برای برپایی نظامی آزاد، برابر، مرفه و انسانی، مبارزه قاطع برای برچیدن بساط شنیع اعدام و لغو مجازات اعدام و سنگسار است.

در ایران جان زندانیان سیاسی در خطر جدی قرار دارد. هر روز در زندانها گروه گروه از انسانهای محروم و قربانی به قتل میرسند. آمار اعدام در ماههای اخیر به ۳۰۰ نفر میرسد و جلادان در صدد اعدام بیش از ۲۰۰۰ نفر هستند. رژیم اسلامی حکومت سه دهه جنایت جمعی تکان دهنده است. اعدامهای صحرائی سال ۵۸ در کردستان، اعدامهای بعد از خرداد ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ تنها نمونه های برجسته دستگاه آدمکشی اسلامی است. جمهوری اسلامی سبیل مجازات اعدام در جهان است. مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان، بدون سازمان دادن مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی اعدام در ایران ممکن نیست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۱۰ اکتبر را روز جهانی مبارزه با حکومت اسلامی اعدام اعلام میکند. حزب از تمامی نیروهای آزادیخواه، انساندوست و پیشرو میخواهد که در این روز متحدانه علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی اعدام به میدان بیایند. این روز را باید به روز اعتراض عمومی و روز اقدام جهانی علیه رژیم اسلامی تبدیل کرد. در اینروز باید اجتماعات بزرگ و اقدامات متنوعی علیه نفس مجازات اعدام و رژیم اسلامی صد هزار اعدام سازمان داد. برای متوقف کردن ماشین اعدام و لغو تمامی احکام اعدام صادر شده بمیدان بیایید. روز ۱۰ اکتبر باید جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید. باید جهان یکصدا رژیم طالبانهای ایران را محکوم کند. بشریت آزادیخواه در قرن بیست و یکم نباید حکومتهای اعدام و سنگسار را تحمل کند!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۷ اوت ۲۰۱۰

جنبش سرخ، تشویق به جاسوسی، اخراج کارگران

جنبش سرخ

بنا به خبر دریافتی، اخیرا فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران برای نیروهای مسلح در سنندج و تهران جلساتی توجیهی را برای نیروهای کادری و سربازان عادی برگزار کرده اند. مضمون این جلسات این بوده که جنبش سبز تمام شده و پرونده اش بسته شده است. اما جنبش جدیدی در راه است: جنبش سرخ. به نیروهای مسلح تاکید شده که نباید فریب این جنبش را خورد و یا با آنچه خود را توجیه میکند همراه شد بلکه باید برای مقابله با آن آماده باشید. لازم به تاکید است وحشت از شورش طبقه کارگر و مردم زحمتکش که زیر فشار فقر و گرسنگی به آستانه نابودی رانده شده است در سال گذشته به عناوین مختلف عنوان شده است.

تشویق به جاسوسی

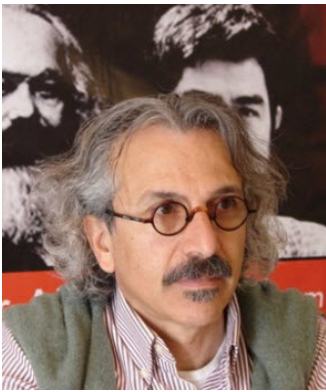
نیروهای اطلاعاتی طی یکماه گذشته اکثر صاحبان کافی نت های شهر سنندج را به اطلاعات احضار و آنها را مورد بازجویی قرار داده اند. در جریان این بازجویی ها از صاحبان کافی نت ها خواسته اند که باید در مورد مراجعه کنندگان به کافی نت و خصوصا افرادی که بنظر آنها سیاسی هستند گزارش تهیه کرده و به اطلاعات تحویل دهند. آنها همینطور تاکید کردند که البته خودمان ای میل ها را تحت کنترل داریم. تشویق و تحت فشار قرار دادن صاحبان کافی نت ها به جاسوسی و تبدیل آنها به عامل وزارت اطلاعات قبلا هم اتفاق افتاده است. اما اقدام اخیر بیانگر برنامه ای وسیع تر برای سرکوب مخالفین، ایجاد وحشت و تنگ کردن حلقه اختناق است. بنظر میرسد اقدامات تاکنونی "لشکریان سایبری امام زمان"، اعم از استفاده از سیستم های جاسوسی و اعمال سانسور و فیلترینگ، کافی نبوده است. تشویق صاحبان و کارکنان کافی نت ها به جاسوسی تنها بیانگر وحشت جمهوری اسلامی از مخالفین سیاسی و گوشه ای از برنامه سرکوبهای وسیع تر است.

اخراج کارگران ایستک

طی هفته گذشته کارفرمای شرکت ایستک سازی خورشید زربار 6 نفر از کارگران را اخراج کرده است. قرارداد این کارگران دو ماهه بوده و بدنبال پایان قرارداد، کارفرما از تمدید قرارداد کارگران امتناع و کارگران را اخراج کرده است. در ضمن این کارفرما اخیرا یک پایانه در شهرک بهاران احداث کرده که زمین آن 6 هکتار میباشد. کارفرما در پاسخ به اعتراض کارگران به اخراجشان عنوان کرده اگر کار میخواستید باید در پایانه برایم کار کنید. کار شما در آنجا 12 ساعت نگرهبانی با حقوق 8 ساعت کار است. کارگران این پیشنهاد را نپذیرفتند و بیکار شدند. پایانه محل پارک ماشینهای سنگین است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

13 مهر 1389 - 6 اکتبر 2010



میگردد.

بر خلاف بسیاری از بحرانهای ادواری، بحران کنونی دامنه و عمق بسیار گسترده تری دارد و اکثر کشورهای عمده سرمایه داری را در بر گرفته است. جهان سرمایه داری رقابتی و بازار آزاد پس از سقوط سرمایه داری دولتی بلوک شرق و قرار گرفتن این جوامع بمتابه عرصه های جدیدی برای سرمایه گذاری و سود آوری، وارد یک دوره گسترده سودآوری و انباشت شد. اگرچه این عرصه های جدید سودآوری برای مدت طولانی بحرانهای ادواری ذاتی نظام سرمایه داری را تخفیف داده و به تعویق انداختند اما در عین حال این بحرانها را متراکم تر و عمیق تر نمودند. بحرانهای تخفیف یافته و به عقب افتاده به ناگاه خود را در بیکاری میلیونی، وام های آلوده، کاهش سطح تولیدات و انقباض بازار اعتبار مالی در سطح جهانی نشان داد. سقوط و ورشکستگی بزرگترین موسسه های مالی و بانکی سرمایه داری از نتایج بحران کنونی است.

۲ - وجود بحران گسترده جهانی شکستی برای ایدئولوژی و سیاست بازار آزاد و سرمایه داری رقابتی در سطح جهانی است. با فروپاشی بلوک شرق ما شاهد گسترش تبلیغات کر کننده مدافعین بازار آزاد و سرمایه داری رقابتی

آلوده" خود ناشی از شکل گیری بحران اقتصادی در نظام سرمایه داری است. ماهیت و علل پایه ای بحران را نمیتوان با شکل و زمینه های بروز آن توضیح داد. بیکاری میلیونی و گسترش یافته، کاهش سطح معیشت و رفاه توده های مردم، انقباض اعتبارات و سرمایه گذاری ها و کاهش قابل ملاحظه حجم تولیدات در سطح جهانی، همه و همه دال بر عمق و دامنه گسترده بحران جهانی کنونی است.

آنچه اکنون جهان را در چنگال خود به اسارت گرفته است، در یک کلام بحران جهانی نظام سرمایه داری است. بحران های اقتصادی ادواری با عواقب وخیم و خانمان برانداز اقتصادی و اجتماعی یک جزء اجتناب ناپذیر و ذاتی نظام سرمایه داری است. تناقضات نظام سرمایه داری پس از یک دوره نسبتاً طولانی انباشت سریع سرمایه در دوران پس از جنگ سرد و گسترش بازارهای سرمایه گذاری و سود آوری در سطح جهان به بحرانی منجر شده است که اکنون شاهد مراحل اولیه آن هستیم.

این بحران نیز مانند تمام بحرانهای ادواری نظام سرمایه داری اساساً از یک تناقض بنیادی در پروسه انباشت سرمایه نشات میگیرد. در پایه ای ترین سطح، قانون گرانش نزولی نرخ سود مبنای کلیه بحرانهای اقتصادی جامعه سرمایه داری است. در جامعه سرمایه داری کار منشاء سود و انباشت سرمایه است، نرخ سود، بنا به قوانین مادی روند انباشت، گرانش به نزول دارد. هر زمان که این گرانش نزولی منجر به سقوط نرخ سود میشود، کل نظام سرمایه داری دچار بحران

"ما این بحران را بوجود نیاورده ایم: هزینه آن را بر دوش مسببین آن قرار دهید!"

علی جوادی

تبلیغات عوامفریبانه را نیز به کناری انداخته اند. پرچم تعرض مستقیم را در دست گرفته اند. سرمایه داری جهانی در بحران است. آیا میتوانند بار این بحران را با گسترش بیکاری و حذف خدمات اجتماعی بر گرده کارگران پیاده کنند؟ پاسخ کارگران بخشا قاطع و روشن بوده است "ما این بحران را بوجود نیاوردیم، بار بحران را بر دوش مسببین آن، بانکها و بنگاههای سرمایه قرار دهید!"

در زیر بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری از بحران جهانی سرمایه و راه حل کمونیسم کارگری را در مواجهه با این بحران را یکبار دیگر نگاه میکنیم:

بحران جهان سرمایه داری و خطوط عمده وظایف ما

۱ - رسانه های رسمی، ایدئولوگها، متخصصین اقتصادی و سیاستمداران طبقه حاکمه، تصویر گمراه کننده و محدودی از بحران کنونی ارائه میدهند. گام اول در شناخت واقعیت بحران کنونی کنار زدن این تصاویر است. "وام های آلوده"، "انقباض بازار مالی"، و یا "بحران مالی" بیان تمام حقیقت پایه ای بحران کنونی نیستند. این کلمات بمنظور پرده پوشی و پنهان کردن ماهیت واقعی این بحران جایگاهی کلیدی یافته اند. بحران کنونی، برخلاف این تبلیغات، زائیده "وام های آلوده" نیست، بلکه "وامهای

اعتراض اروپا را فرا گرفته است. شهرهای مختلف اسپانیا، ایرلند، فرانسه، ایتالیا، بلژیک تاکنون شاهد اعتراضات گسترده کارگران و توده های مردم زحمتکش و حقوق بگیر بوده است. بیش از یک صد هزار تن به فراخوان کنگره اتحادیه های کارگری اروپا در بروکسل، مرکز اتحادیه اروپا، دست به اعتراض زدند. اعتراض به بیکارسازیها و بیکاریهای گسترده، اعتراض به افزایش سن بازنشستگی، اعتراض به محدود کردن بیمه های بیکاری، اعتراض به حذف و محدود کردن برخی از خدمات اجتماعی، اعتراض به سیاست عسرت کشی اقتصادی، و در یک کلام اعتراض به تحمیل بار بحران اقتصاد سرمایه داری بر گرده کارگران و توده های مردم کارکن!

اتحادیه اروپا سیاست عسرت کشی اقتصادی را در دستور کشورهای مختلف اروپایی قرار داده است. قدرت سیاسی و اقتصادی آلمان پشتوانه این سیاست تهاجم مستقیم و گسترده به توده های مردم زحمتکش است. تعرض به تنمه "دولت رفاه" در مرکز این سیاست قرار دارد. سیاست آلمان مقابله با هر درجه از افزایش کسری بودجه دولتی در پرداخت هزینه خدمات اجتماعی است. در فاز اول این بحران بخش اعظمی از ثروت اجتماعی تولید شده توسط کارگران را در نجات سرمایه های بانکی و مالی بکار گرفتند. نجات سرمایه را مجرای برای نجات کارگر و حفظ اشتغال و حفظ استاندارد زندگی توده مردم کارکن معنی کردند. اکنون این

دادن سیاست ریاضت کشی اقتصادی است. این راه حل‌های ضد انسانی را باید متحذانه در هم شکست.

۴ - یک رکن تبلیغات عوام‌فریبانه مدافعین الگوی اقتصادی بازار آزاد و رقابت، مساله عدم دخالت دولت در اقتصاد و بازار در مقابل سیستم کینزی و سوسیال دموکراسی است. تاچریسم و ریگانیسم در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ معنای غلبه این گرایش بر سرمایه داری غرب بود. اما سرمایه داری بقاء خود را مدیون دخالت مستمر دولت و فرای نهادهای اقتصادی و بازار در تعیین شرایط اقتصادی و عملکرد نظام سرمایه داری است. در حال حاضر نیز بدون دخالت دولت برای حفظ بزرگترین موسسات مالی و بانکی، بدون "طرح نجات" این موسسات، نظام سرمایه داری عملاً فلج شده و چرخهای آن متوقف میشود. واقعیت این است که مستقل از الگوهای سرمایه داری، مدل بازار آزاد و رقابتی و یا برنامه ریزی شده و دولتی از نوع سوسیال دموکراسی و کینزی، سرمایه داری تماماً یک نظام استثمارگر و ضد انسانی است.

دخالت همه جانبه دولت به نفع سرمایه، در عین حال افشاگر تبلیغات ایدئولوژیهای سرمایه داری در مورد نقش نهاد دولت در این نظام است. برخلاف تبلیغات سخنگویان طبقات حاکم، دولت یک نهاد عمومی، حاصل اراده جمعی و منفعت عمومی و مشترک تمامی اعضای جامعه نیست. دولت نهادی مستقل و مافوق طبقات و منافع طبقاتی در جامعه نیست. دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای انقیاد و استثمار توده های مردم زحمتکش است. دولت قوه قهریه سازمان یافته طبقه

بزرگترین در نوع خود است. با بخشی از این رقم میتوان مساله بیمه درمانی، بیمه بیکاری، بی خانمانی و بسیاری از معضلات اجتماعی را بفرع مردم حل کرد.

راه حل سرمایه در حل بحرانهای سرمایه داری و عملکرد دائمی این نظام در عین حال نشان دهنده موقعیت اسارت آور انسان در این نظام است. قربانیان این نظام و بحران های سرمایه داری، کارگران و مردم زحمتکش هستند. این گوشه ای از یک حقیقت عام و پایه ای در این نظام است. در جامعه سرمایه داری انسان اسیر قوانین کور اقتصادی است. در این نظام انسان از تمامی خصوصیات و ویژگی ها و مشخصات فردی و انسانی جدا شده و صرفاً به ابزار و محمولی برای تولید و سود آوری سرمایه تبدیل میشود. در این نظام انسانها بر مبنای موقعیت طبقاتی و اقتصادی تقسیم و دسته بندی میشوند. در این نظام اکثریت عظیم مردم، تولید کنندگان ثروت اجتماعی، از محصولات تولید شده محروم و بی بهره اند. در این نظام کارگران تا زمانی که کارشان سودی برای سرمایه تولید میکند، به کار گرفته میشوند، در غیر این صورت مانند ابزار و ماشین به گوشه ای پرتاب شده، بیکار و بی خانمان میشوند.

نباید اجازه داد که بار بحران سرمایه داری را بر دوش توده های مردم خراب کنند. نباید اجازه داد ریاضت کشی اقتصادی، حذف بیمه ها و خدمات اجتماعی را مجرای حل بحران اقتصادی کنند. نباید اجازه داد با به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و واحدهای تولیدی کارگران را خانه خراب و بی خانمان کنند. باید با تمام قوا برای بیمه بیکاری، خدمات اجتماعی، بیمه درمانی رایگان، برای آموزش و تحصیل رایگان مبارزه کرد. راه حل آنها تحمیل فلاکت اقتصادی بر توده های مردم و در دستور قرار

"ما این بحران را بوجود نیاورده ایم: هزینه آن را بر دوش مسببین آن قرار دهید!" ...

سرمایه داری، مستقل از الگوهای اقتصادی، چه سرمایه داری دولتی، چه سرمایه داری رقابتی و متکی بر بازار آزاد، یک نظام تماماً ضد کارگر و ضد انسانی است. تا زمانی که بنیادهای نفرت انگیز این نظام یعنی مالکیت خصوصی و تقسیم طبقاتی جامعه و نظام کار مزدی پا برجاست، سهم کارگر و مردم زحمتکش محرومیت و استثمار و تبعیض و ستمگشی و بی حقوقی است. نظام سرمایه داری مسبب فقر و فلاکت و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. بحران اخیر سرمایه داری، این حقیقت که سرمایه داری یک نظام استثمارگر، ضد انسانی و نماینده اقلیت سودجو و استثمارگر است را در ابعادی جهانی عیان کرده است.

۳ - راه حل سرمایه دارانه بحران اقتصادی از همان قانونمندی های عمومی این نظام پیروی می کند. تشدید استثمار، کاهش دستمزدها، افزایش بیکاری، حذف خدمات اجتماعی و رفاهی و کلا تحمیل تمام عواقب بحران به توده های مردم کارگر و زحمتکش. در یک کلام، بورژوازی و دولت سیاست ریاضت کشی اقتصادی را اتخاذ میکند. در حال حاضر دولت آمریکا نزدیک به هزار میلیارد دلار از دسترنج مردم را به موسسات مالی طبقه سرمایه دار داده است. انتقال یک جای چنین حجمی از ثروت اجتماعی به طبقات سرمایه دار، یک اقدام بی سابقه و

بودیم. ادعا میشود که سرمایه داری متکی به بازار و رقابت بهترین، کارآ ترین و عملی ترین نظام اقتصادی برای جامعه بشری است. پایان تاریخ، پایان مبارزه طبقاتی و پایان تلاش بشریت زحمتکش برای دستیابی به آزادی، برابری، رفاه و یک زندگی شایسته انسانی را اعلام کردند. فردگرایی، کاریزیسم، سودجویی و منفعت پرستی حقیر به صدر تبلیغات و افق جامعه رانده شد. هر گونه نوعدوستی، انسانگرایی و دفاع از منفعت اجتماعی را حقیر شمردند. قانون جنگل و اصل بقاء اصلح را به قانون عام جامعه تبدیل کردند. بحران کنونی ثمره اجتناب ناپذیر نظامی است که تنها شاخص آن سود است.

اکنون حتی برخی از هارترین مدافعین بازار آزاد به شکست این الگوی اقتصادی اذعان میکنند. اگر در پس شکست سیاست دولتگرایی اقتصادی نشان داده شد که دولتی شدن سرمایه، مالکیت دولتی و کنترل نهادهای بازار توسط برنامه ریزی دولتی، بعنوان الگوی سرمایه داری اصلاح شده، نمیتواند چهارچوب مناسب و کارآمدی برای تخفیف تناقضات درونی نظام سرمایه داری باشد؛ در دوران کنونی نیز ما شاهدیم که بازار، جهانی شدن بیشتر سرمایه و گسترش رقابت نه تنها تناقضات این نظام را تخفیف نمیدهد بلکه در شدیدترین شکل این تناقضات را بمنصه ظهور می رساند.

این واقعیات در کلیت خود نشان دهنده این حقیقت پایه ای است که

"ما این بحران را بوجود نیاورده ایم: هزینه آن را بر دوش مسببین آن قرار دهید!"

حاکمه است. دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی سرمایه داری در جوامع کنونی است. هر دولتی مستقل از شکل و ظاهری که بخود گرفته باشد، دولتی طبقاتی و منعکس کننده طبقه حاکم در جامعه است. اما بر خلاف دولتهای کنونی که نماینده اقلیت استثمارگر در جامعه هستند، حکومت کارگری، دولت اکثریت توده های مردم استثمار شده بمنظور اعمال حکم آزادی و برابری انسانها است.

۵ - پیامدهای بحران اقتصادی نظام سرمایه داری محدود به قلمرو اقتصاد در جامعه نیست. هر بحران اقتصادی دارای عواقب وخیم اقتصادی و اجتماعی است. جنگ های جهانی خانمان برانداز، جدال بر سر حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی، میلیتاریسم و لشکر کشی نظامی تماما از عواقب پیامدهای بحران اقتصادی و تشدید کشمکش میان بلوکهای متفاوت سرمایه جهانی هستند. از طرف دیگر گسترش گرایشهای راست افراطی، فاشیستی، نژادپرستانه، ضد انسانی، عقب گرایانه، ارتجاعی و مذهبی از خصوصیات دوره های بحران سرمایه داری است.

یکی از پیامدهای این بحران در سطح جهان تغییر توازن قوای سیاسی و حوزه های تحت نفوذ در سطح جهانی و تشدید رقابت دول و بلوکهای عظیم سرمایه داری جهانی است. تغییر موقعیت "ابر قدرتی" آمریکا در سطح جهان، گسترش تقلا و پر و بال یافتن سایر بلوکهای جهانی، گسترش دامنه و جنگ تروریستها، از

تخفیف پا به میدان اصلی نبرد سیاسی و طبقاتی جاری بگذارد. دوران رونق بازار و راه حل های سرمایه داری عملا به پایان رسیده است. ایدئولوژی های رنگارنگ بورژوازی نه تنها در حال تعرض نیستند، بلکه عملا در محاق قرار دارند. نه تنها هجوم سیاسی و ایدئولوژیکی بورژوازی به مارکسیسم و سوسیالیسم شکست خورده و به پایان رسیده است، بلکه شاهد عقب نشینی و افول مقبولیت الگوها و راه حل های بورژوازی در اذهان توده های مردم هستیم. فضا برای مارکسیسم و کمونیسم کارگری مناسب تر از همیشه است. امروز مساله شکل دادن به یک کمونیسم کارگری و عمیقا مارکسیستی در سطح جهانی یک ضرورت حیاتی است.

۷ - جهان بیش از هر زمان نیازمند راه حل دیگری است. یک راه حل سوسیالیستی. باید توده های وسیع کارگر را مورد خطاب قرار داد. امروز بیش از هر زمان دیگری میتوان نشان داد که این ادعا که نظام سرمایه داری بهترین نظام اقتصادی است، بزرگترین دروغ تاریخ کنونی است. میتوان نشان داد که نظام دیگری ممکن است. نظامی که در آن، هدف فعالیت اقتصادی نه

تولید برای سود و انباشت سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای گسترده مردم و رفاه هر چه بیشتر همه انسانها است. چنین نظامی نه تنها مطلوب است بلکه تمام شرایط شکل گیری آن در حال حاضر ممکن است. روند کنونی اوضاع حاکی از باز شدن فضا برای عروج کمونیسم کارگری در مرکز صحنه سیاست، بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی است. یک شرط اساسی پیشروی ایجاد احزاب کمونیسم کارگری در جدال بر سر آینده است.

جنبش کمونیسم کارگری در پس این اوضاع میتواند و باید با نقد عمیق مارکسیستی به جامعه سرمایه داری و سازماندهی مبارزه طبقاتی در هر کشور، پرچم وحدت و اتحاد منافع مشترک کارگران را در سراسر جهان برافرازد و در تمامی جبهه های مختلف مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم زحمتکش مصالح عمومی این جنبش را نمایندگی کند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ اکتبر ۲۰۰۸ - ۷ آبان ۱۳۸۷

سایتهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری:

www.wupiran.org

www.wupiran.net

سایت رادیو یک دنیای بهتر:

www.wupradio.org

ای میل جدید رادیو:

wup1917@mail.com

لطفا به اطلاع عموم برسانید!

مرگ بر جمهوری اسلامی، در هر شکل و نوعی که باشد!

مهرداد کوشا

از مدتی پیش و بعد از آنکه جناح حاکم رژیم اسلامی توانست خیزش گسترده و توده ای مردم را پس از ماهها کشمکش موقتاً سرکوب و خاموش سازد و جناح اصلاح طلبان حکومتی را از قدرت سیاسی خلع ید نماید، برخی محافل سیاسی گریزان از هر نوع انقلاب غیر رنگی، که سهل الوصول ترین راه تحولات سیاسی و اقتصادی ایران را سر براه شدن حکومت و تطبیق وضعیت آن با سیاستهای جهانی سرمایه میدانند، با اکتفاء به ملاقات احمدی نژاد با رمزی کلارک دادستان اسبق آمریکا و مجموعه برنامه هایی که عمدتاً توسط رحیم مشایی ترتیب داده شده بود، خواب زده شده و کم کم داشتند رویای "متعارف شدن" رژیم را مزمره می کردند که ناگهان همه چیز بهم ریخت و برای چندمین بار نظریه های من درآوردی و باطل شان باد هوا شد. این نیروها به چه چیزدل خوش کرده بودند؟

کاهش فعالیت گشت ارشاد و تخفیف جزئی در سختگیری های مربوط به پوشش و لباس خانمها طی چند ماه اخیر، برگزاری همایش ایرانیان خارج کشور از طریق هوشنگ امیراحمدی، این دلال و کارچاق کن همیشه ناکام، زمزمه های احمدی نژاد و اطرافیان وی در زمینه محدود ساختن قدرت روحانیون در امور سیاسی، و البته مهمتر از هر چیز ادا و اطوارهای ناسیونالیستی که با تکریم استوانه کوروش، ملقب ساختن کوروش به "شاه جهان" و پیامبرگونه خواندن سخنان او و اینکه ادای کلمه "ایران" ثواب اخروی دارد، به اوج رسید،

تمامی مانوری بود که به اجرا درآمد و در این رهگذر ناسیونالیستهای دو آتشه پرو غرب و "سبز" را نیز از این گونه تبلیغات تا حدود زیادی خلع سلاح ساخت. البته این اواخر، تکذیب صدور حکم سنگسار خانم سکینه محمدی در مصاحبه احمدی نژاد در نیویورک نیز بر توهم حضرات نسبت به سرعت آمدن جمهوری اسلامی افزود. اما حکایت، همان حکایت گاو نه من شیر بود که با سخنرانی رئیس جمهور اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل همه را بر باد داد.

اما در ورای این عوام فریبی های تبلیغاتی، واقعاً در جامعه ایران چه می گذرد؟ "اقتصاد" قطعاً عمده ترین مشکل پیش روی مردم و مهمترین معضل حکومت اسلامی است. قیمت مواد غذایی و سایر کالاها و خدماتی که عموم مردم بطور روزانه به آنها نیاز دارند، به سرعت رو به افزایش است. بنزین سهمیه ای که در آغاز صد و بیست لیتر در ماه بود، برای مهر سال جاری به شصت لیتر کاهش یافته و قرار است از آبان 89 سهمیه بطور کلی قطع و بنزین فقط به صورت آزاد، یعنی حداقل 4 برابر قیمت بنزین سهمیه ای عرضه شود. طرح به اصطلاح "هدفمند کردن یارانه ها" اگرچه هنوز رسماً آغاز نشده، ولی عملاً طی چند سال اخیر بسیاری از سوبسیدها، بطورمثال در مورد نان و روغن، تدریجاً قطع شده

و تقریباً تمامی خدمات دولتی به دفاتر خصوصی واگذار گردیده که به چندین برابر بهای قبلی آنها عرضه می شود. این معنی واقعی "خصوصی سازی" است که در حمل و نقل، آموزش و پرورش، خدمات شهری، بهداشت و درمان و سایر عرصه های اقتصادی روز به روز گسترش یافته و جان مردم را به لب رسانده است. تازه قرار است بخشی از هزینه درمان بیمه شدگان تامین اجتماعی تحت عنوان "فرانشیز" از آنان دریافت گردد و البته قیمت آب و برق و گاز هم چند برابر شود.

از سوی دیگر هر روز تعداد بیشتری از کارخانه ها با طرح بحران مالی و توقف تولید کارگران را اخراج میکنند و یا پرداخت حقوق آنان را به تعویق می اندازند. برای کارگران ضریب امنیت شغلی به صفر رسیده و برای کسانی که هنوز اخراج و بیکار نشده اند، قراردادهای استخدامی تماماً بصورت موقت برای دوره های سه ماهه، شش ماهه و یا حداکثر یکساله منعقد می شود. افزایش روزمره تعداد بیکاران بویژه در مهاجرت دائمی از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و در افزایش تعداد فروشندگان خیابانی، در متروی تهران، در صفهای انتظار بنزین و سر چهار راهها کاملاً آشکار است. برای کارگران و زحمتکشان جامعه تامین معاش هرگز تا این درجه سخت و غیرممکن نبوده است.

اما گذشته از مسائل اقتصادی، در عرصه سیاسی و اجتماعی سرکوب و خفقان در اشکال مختلف زندان و شکنجه و اعدام کماکان ادامه یافته است. اگر چند نفری با وثیقه های سنگین از زندان آزاد میشوند، تعداد بیشتری در همان زمان دستگیر میگردند. نه تنها وکلای زندانیان سیاسی، بلکه وکیل خانم سکینه آشتیانی نیز به دلیل سیاسی شدن موضوع، مجبور به

فرار از کشور می شود. این تازه حکایت فعالان سیاسی اصلاح طلب و اپوزیسیون ملی-اسلامی است. اما اگر فعال سیاسی مهر "چپ و کمونیست" بخورد که کارش به مراتب سخت تر و اعدام در انتظارش است. اعدام فرزاد کمانگر و تعداد دیگری از زندانیان سیاسی گواه این حقیقت است.

با وجود آنکه سرکوب و وحشیگریهای حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی طی سی و یکسال گذشته همواره برقرار بوده و حیات کثیف و ننگین رژیم از این طریق امکان پذیرگشته، ولی شک نیست که از هنگام در دست گرفتن دولت توسط باند احمدی نژاد تغییراتی در ارکان سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی پدیدار شده است. شاخص ترین تغییرسیاسی، حذف جناح موسوم به اصلاح طلب از حکومت و تلاش برای استحکام دولت حاکم از طریق تصفیه عناصر میانه رو در جناح اصولگرایان بوده است. از نظر باند احمدی نژاد در شرایطی که فشار جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی تا این اندازه افزایش یافته، حکومت چند جناحی قادر به سرکوب آن نیست؛ نظام باید تصفیه شود و با ایجاد تمرکز در قدرت سیاسی پتانسیل لازم برای اینکار را بدست آورد.

در ارتباط با این موضوع، نهادهای مالی و اقتصادی نیز باید در خدمت همین دستگاه قرار گیرد تا از یکسو منابع مالی مورد نیاز برای میلیتاریزه کردن کامل رژیم در داخل و خارج کشور بطور رسمی و غیر رسمی، و از سوی دیگر ملزومات اجیرکردن اوباشان همیشه در صحنه و نیز نفت و لیس و چپاول مهره های اجرایی چنین

کارگران تونل میدان توحید تهران دستمزدهای معوق، اخراج از کار!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 100 نفر از کارگران شرکت پرلیت مجری طرح احداث و راه اندازی تونل میدان توحید، از اول سال تا پایان شهریور یعنی 6 ماه است که هیچگونه دستمزدی دریافت ننموده اند. در این 6 ماه کارگران بارها برای نقد شدن دستمزدها و علیه سیاستهای ضد کارگری سرمایه داران و عوامل کارفرما بصورت جمعی و فردی در اشکال مختلف دست به اعتراض زده اند. اما علیرغم همه اینها به دلیل کارشکنی و طفره رفتن عوامل کارفرما ریالی از دستمزدهای کارگران پرداخت نشده است.

معدلی مدیر شرکت پرلیت و کارچاق کنهای دور و برش با توسل به تهدید به اخراج و وعده های پوچ و دروغ کارگران گرسنه و محرومی را که خواهان دریافت دستمزدهای بسیار ناچیزشان هستند را به امروز و فردا و روزهای آینده حواله می دهند. دروغ پشت دروغ و گرسنگی و محرومیت روز افزون به زندگی کارگران و خانواده هایشان! تا همین جا نیرداختن دستمزدهای 6 ماهه زندگی کارگران و خانواده هایشان را در بحران و اضمحلال و فقر و فلاکت وحشتناکی فرو برده است. اما این تمام جنایت سرمایه داران و حکومت اسلامیشان علیه کارگران نیست. در روزهای اخیر معدلی و عواملش به این کارگران اعلام داشته اند حدودا تا 2 ماه آینده نیز از کار اخراج خواهند شد! 6 ماه دستمزد پرداخت نکردند و حالا وعده اخراج از کار میدهند! و این بخشی از جنایت همه روزه سرمایه داران و حکومت اسلامیشان برای کسب سود بیشتر بر علیه کارگران و خانواده های زجر کشیده شان است. تا چند ماه پیش بیش از 3000 کارگر شرکت پرلیت در طرح احداث تونل میدان توحید مشغول به کار بودند. متأسفانه هر یک از این کارگران با چندین ماه دستمزد معوق از کار اخراج و بیکار شدند. پیگیریهای تاکنونی بسیاری از این کارگران از طریق اداره کار و دیگر مراکز حکومت اسلامی کارگزار سرمایه داران تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

هم اکنون در شرکت پرلیت (تونل میدان توحید) بیش از 100 نفر کارگر قراردادی سفید امضا با دستمزدهای 300 هزار تومانی در 2 شیفت 12 ساعته کاری در محدوده خیابان نواب - میدان جمهوری در بخش راه اندازی سیستم تهویه و هواکش تونل مشغول به کارند. از قرار این کارگران در آینده ای نچندان دور بدلیل عدم دریافت دستمزدهای چندین ماه و اخراج از کار به سرنوشت دیگر کارگران اخراجی دچار خواهند شد. معدلی مدیر شرکت پرلیت از جمله نزدیکان و چاکران باند مافیایی فساد مالی و دزدی خانواده رفسنجانی جنایتکار است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

11 مهر 1389 - 4 اکتبر 2010



مجمع عمومی کارگری

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است!
جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!

مرگ بر جمهوری اسلامی، در هر شکل و نوعی که باشد ...

سیاستی فراهم شود.

جمهوری اسلامی حرکتی به سمت متعارف شدن نکرده است. این موضوع که مثلاً طی چند ماه اخیر فعالیت گشت اوباشان ارشاد جمهوری اسلامی تا حدودی کاهش یافته و زنان کمتر از گذشته تحت فشار قرار گرفته اند، به هیچوجه نشان تغییر نگاه جمهوری اسلامی به "زن" و حقوق اجتماعی او نیست. به تازگی شورای هماهنگی فعالیتهای فرهنگی دانشگاهها در باره عفاف و حجاب مصوبات 19 گانه ای را ابلاغ کرده که طی آن تهیه شناسنامه فرهنگی برای دانشجویان، میثاق نامه دانشجویان با محور مسائل اخلاقی و اخذ تعهدنامه اجباری شده است. و باز اگر سایت چند آخوند مرجع تقلید در نظام اسلامی فیلترمی شود، آنهم البته نشان ضدیت حکومت با روحانیت و آخوند نیست. همانطورکه علی جوادی میگوید: "واقعیت وجودی جمهوری اسلامی ایران چنان با جریان مافیایی آخوند و روحانیت درهم تنیده شده است که تصور حاکمیتی اسلامی بدون آخوند دور از ذهن است."

وضعیت خاص جمهوری اسلامی در دوره کنونی در واقع فازی معین در بحرانی ترین حالت آنست. اما حکومت در این فاز کماکان حکومت جمهوری اسلامی است که مافیای دین و آخوند جزء لاینفک و از جمله ملزومات ضروری آنست. این شکل از حکومت نه تنها قادر به حل بحران اقتصادی و سیاسی خود نیست، بلکه خود عامل تشدید کننده این بحرانهست. علیرغم این حقیقت، جمهوری اسلامی واقعیتی است که باید به زیرش کشید و نابودش ساخت. نفی نظام سرمایه داری نوع اسلامی و برقراری سوسیالیسم، تنها ضامن آزادی، برابری و رفاه مردم ایران است که با سازماندهی مبارزات توده ای توسط کمونیسم کارگری امکان پذیر خواهد بود. به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!

آزادی، برابری، رفاه
حق مسلم ماست!

اعداد بیجان، جهنم جانداران

پدرام نو اندیش

این روزها دولت سرمایه داران اسلامی گوی سبقت را در بسیاری امور از اسلافش ربوده است. گویی به هر میزان که سطح زندگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش را کاهش داده است، به ازاء آن در بسیاری امور دیگر رشد چشمگیری داشته است. نگاهی به آمار ارائه شده توسط مدیر منابع سازمان زندانهای دولت سرمایه داران اسلامی، نشان میدهد که حکومت آدمکش اسلامی در به بند کشیدن معترضین رشد چشمگیری داشته است. آنچه میخوانید مشتی عدد و رقم و آمار اند که با حقیقت جامعه هنوز خیلی تفاوت دارند. اما پشت این اعداد بیجان انسانها و جاندارانی نهفته اند که در این نظام هر روز نابود میشوند.

محمد علی زنجیره ای، مدیر منابع سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی جمهوری سرمایه داران اسلامی، اعلام کرده در دنیا متوسط زندانی به ازاء هر یکصد هزار نفر 148 نفر است که این میزان در ایران به ازاء هر یکصد هزار نفر 271 نفر است. تقریباً دو برابر متوسط جهانی است. کافی است به برخی از آمارهایی که توسط منابع حکومتی به شکل ناقص نیز ارائه شده مراجعه کرده تا علل رشد چشمگیر این جانپان اسلامی را در امور زندان، شکنجه و اعدام معترضان به وضع موجود مشخص تر شود.

ارگان مثلا ملی جوانان، آمار تکان دهنده ای از وضعیت اعتیاد در ایران را منتشر کرده است که مطابق آن فقط یک میلیون نفر از معتادان به مواد مخدر زیر نوزده سال سن دارند و سن اعتیاد در کشور به سیزده سال رسیده است. دبیر علمی انجمن دارو سازان، متوسط زمان دسترسی به مواد مخدر در ایران را 30 الی 45

تحقیقی که در رسانه حکومتی ایلنا منتشر شده است، سن روسپی گری به 12 سال تقلیل یافته است. امان الله قربابی جامعه شناس، تعداد زنان خیابانی شهر تهران در سال 1385 را بالغ بر 300 هزار نفر دانسته است.

در زمینه طلاق نیز به گفته فرهاد عبادی کارشناس پیشگیری ... ایران رتبه چهارم آمار دنیا را دارد. به گفته او طلاق رشدی معادل هشت درصد داشته در حالی که ازدواج فقط 5/5 درصد از رشد را به خود اختصاص داده است.



مطابق گزارش روزنامه گاردین 1/7 الی 3/83 میلیارد پوند مواد مخدر برای مصرف در داخل توزیع میگردد. کلاف اصلی این صنعت پر سود و در عین حال ویرانگر در چنگال نهادها و ارگانهای دولت اسلامی است. مسئول بخشی از افزایش پنجاه درصدی آمار مبتلایان به بیماری ایدز را نیز همین جانپان هستند. مطابق گفته مدیر اجرایی انستیتو پارس، بیشتر معتادان به مواد مخدر یا مبتلا به ویروس ایدز هستند و یا در معرض ابتلا به آن قرار دارند.

20 برابر شدن فرار دختران از منزل از دیگر نتایج قریب 32 سال حکومت ضد زن جمهوری اسلامی است. مطابق این آمار سالانه شش هزار دختر از منزل فرار می کنند که انتظار می رود این تعداد بیشتر از آنچه اعلام شده است باشد. مطابق آمار سازمان بهزیستی حکومت جانی اسلامی، 18 درصد از دختران فراری در روز اول و 60 درصد در هفته اول بعد از فرار مورد تعرض جنسی قرار می گیرند. این افراد برای یافتن شرایطی بهتر، گرفتار سرنوشتی ناگوار میشوند که حکومت سرمایه داران اسلامی عامل ایجاد آن است. طبق

و اما رشد قابل ملاحظه دیگر افزایش تعداد کودکان کار و کودکان خیابانی است. کودکانی که آئینه تمام نمای استثمار سرمایه داری ایران است. داغ نفرت هایی که این نظام فقر و فلاکت هر روز می آفریند و از نیروی کار مجانی آنها زندگی انگلی خود را ادامه میدهد. کودکان کار همه کودکان زیر 18 سال هستند که به منظور تامین معاش خود و خانواده شان در خیابان و کارخانجات، در شرایط وخیمی به کار گرفته می شوند. کودکان خیابانی که مجبور به کار و زندگی در خیابانها هستند و شبها روی کارتن می خوابند و سر پناهی جز آسمان ندارند. آمارهای تکان دهنده ای از تعداد رو به افزایش این کودکان به گوش میرسد. بر اساس آمار های رسمی که به هیچ وجه قابل اعتماد هم نیست در حال حاضر 1500000 نفر کودک زیر 18 سال به کار گرفته شده به طوری که عناصر حکومتی در قالب های جامعه شناس به این موضوع اعتراف کرده که چگونه سرمایه داران در دولت جمهوری اسلامی به استثمار وحشیانه کودکان

حتی زیر 15 سال ادامه می دهند.

سعید مدنی جامعه شناس در این خصوص اشاره می کند که کارفرمایان به دلیل سود ناشی از کار کودکان، حاضر به پذیرش جریمه نقدی این جرم یعنی به کار گیری کودکان زیر 15 سال هستند. فقط تعداد کودکان خیابانی و کارتن خواب در شهر تهران 35 هزار نفر و در سطح کشور 1200000 کودک اعلام شده است. کودکانی که در مزارع به کار گرفته می شوند و یا در کوره پزخانه ها برده وار کار می کنند و یا کودکان افغان که در هیچ شمارشی آورده نمیشوند را بایستی به آمار فوق افزود تا به عمق بیشتری از فاجعه 32 سال حکومت سرمایه داران اسلامی پی برد.

به این آمارها می بایست توقیف نشریات، روزنامه ها، وبلاگ ها و غیره را افزود تا چهره خشن و نفرت بار این حکومت جور و ستم بیشتر آشکار شود. بر اساس گزارش های بین المللی، حکومت سرمایه داران اسلامی بیشترین تعداد روزنامه نگاران زندانی در سطح جهان را در زندان دارد که هم اکنون 52 روزنامه نگار زندانی را در زندان دارد. بیش از صد روزنامه نگار از دست عوامل دولت سرکوبگر جمهوری اسلامی فرار کرده که هم اکنون هشتاد نفر آنان در ترکیه به سر می برند. فقط از ابتدای سال 1389 تا اکنون 1600 نفر از فعالین کارگری، دانشجویی، روزنامه نگار، وبلاگ نویس، بازداشت و یا روانه سیاه چالهای جمهوری اسلامی شده اند. یعنی بطور متوسط روزی هفت نفر توسط حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی طی 6 ماه نخست سال جاری بازداشت شده اند.

اینها تنها گوشه کوچکی از هزاران جنایت دولت صد هزار اعدام جمهوری اسلامی است که هر روز در جریان است. هر روز ادامه

روز جهانی علیه اعدام

10 October 2010

فراخوان عمومی!

تظاهرات در:

انگلستان

10th Oct 2010
4-6 pm
Embassy of the
Islamic Republic of
Iran
16 Prince's Gate
London SW7 1PT
Nearest Tube:
Knightsbridge

سوئد

9th Oct 2010
2-4 pm
Brunnsparken,
Johanna stativ,
Gothenburg

هلند

9th Oct 2010
11-13
Amsterdam -
Dam Plein

کانادا

8 Oct 2010
6 pm
Young Street,
opposite Super
Arzan

10 اکتبر روز اعتراض وسیع
علیه اعدام، علیه رژیم اسلامی



10 اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام است. این روز فرصت مناسبی است برای سازماندهی یک اعتراض وسیع نه تنها علیه مجازات غیر انسانی و قرون وسطایی اعدام، بلکه علیه رژیم صد هزار اعدام اسلامی. "اعدام قتل عمد دولتی است" بهترین توصیف از این اتمکشی سازمانیافته است. مجازات اعدام، علیرغم اعتقاد برخی، جنایت را کاهش نمی دهد، بلکه موجب افزایش خشونت می شود. برای ایجاد یک جامعه انسانی تر باید مجازات اعدام ملغی شود.

تاریخ دولت های سرکوبگر از مجازات اعدام بمنظور سرکوب مخالفین بهره جسته اند. برقراری یک نظام مختق و سرکوبگر محتاج اعدام است. رژیم اسلامی بهترین نمونه این واقعیت دردناک است. فقط در دهه هفتاد این رژیم جنایتکار حدود صد هزار انسان را در زندان های مخوف خود اعدام کرده و در گورهای دستجمعی و ناشناس مدفون نموده است. باید این رژیم جنایتکار را به زیر کشید و تمام سران آن طی سی و یک سال گذشته را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. این تنها راه تسلی نسبی میلیون ها داغیده است. محاکمه سران نظام اسلامی اجرای گهواره ای از عدالت است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمام سازمان های چپ، سوسیالیست و آزادیخواه و تمام افراد انسان دوست را فرا می خواند که روز 10 اکتبر را به یک روز اعتراض وسیع علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی بدل کنند. در هر شهری که هستید، تجمع کنید و صدای اعتراض خود را بگوش جهانتان برسانید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

www.wupiran.org

markazi.wupi@gmail.com

اعداد بیجان، جهنم جانداران ...

این حکومت مبتنی بر فقر و فلاکت و فحشا و اعتیاد و بیحرمتی و بیحقوقی به معنی تداوم این جنایات سازمانیافته است. بدرستی باید گفت ایران یک زندان بزرگ و جهنمی است که سرمایه داران و دولت اسلامی شان بپا کرده اند و خود در نقش زندانبانان آن عمل میکنند و اکثریت عظیم مردم در این زندان سرمایه اسیرند. برای رهائی باید این حکومت را درهم کوبید. این توده عظیم به فقر کشیده شده و منکوب شده بر از اعاده حیثیت و آزادی و حقوق خود باید متشکل شود و با نیروی اتحاد و تشکل و انقلابیگری از روی این لاشه متعفن رد شود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی تلاش میکند. باید در حزب متشکل شد، سیاستهای انقلابی و کمونیستی را در گوشه گوشه جامعه بدست گرفت و دیگران را به جمع شدن حول این سیاستها فراخواند و بسیج کرد. این وضعیت قابل تغییر است و تنها میتواند به نیرو و اراده طبقه کارگر متشکل و انقلاب کارگری تغییر کند. به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید. *

شورا مجمع عمومی دائر است!



کتاب کنترل کارگری را

از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



روح سرگردان بورژوازی صنعتی

در حاشیه نامه "جمعی از کارگران ایران خودرو"

سیاوش دانشور

نرسانده باشد ضرر نرسانده است. اما وقتی دقت میکنید در تمام اینموارد بخشهای مختلف کارگران در کشورهای مختلف از حقوق کارگری که توسط دولتها سرکوب شده دفاع میکنند و یا خواهان رفع محدودیت از فعالین کارگری هستند. در همین چهارچوب نوعی همبستگی وجود دارد که از سطح رایج همبستگی اتحادیه ای عقب تر است و بیشتر رسته ای و صنفی است. مثلا کارگران اتوبوسرانی و یا اتحادیه حمل و نقل یا اتومبیل سازان و غیره از همکاران صنف خودشان دفاع کنند و یا این توقع وجود دارد که آنها اول دفاع کنند! حالا اگر اتحادیه اتومبیل سازان در "کشور خودش" در ائتلاف با سرمایه داران پدر کارگران در آلمان را درآورده، این چه توقع بیجائی است که چون همکاران شما از کارگران فیات در فرانسه یا کارگران ایران خودرو حمایت کنند؟ این قابل درک است که یک اتحادیه معین عضو مجمع وسیع تر جهانی اش شود و از این طریق خود را به شبکه وسیع تری از اتحادیه ها وصل کند و مجرائی برای حمایت پیدا کند. اما این توقع که عرق صنفی منجر به حمایت کارگری میشود توفقی نابجا و حتی بسیار عقب تر از نرمهای همبستگی کارگری است. مرسوم میان جنبش اتحادیه ای

انترناسیونالیسم کارگری تفاوت زیادی دارد. همبستگی کارگری در ادبیات تریدیونیستی و اتحادیه ای در بهترین و چپ ترین حالت آن با شعار "همبستگی کارگری مرز نمیشناسد" بیان میشود. در عمل سیاسی این نوع همبستگی در چهارچوب حقوق برسمیت شناخته شده کار در سطح جهانی است که همه اتحادیه های کارگری آنرا قبول دارند و جزو اصول اولیه آنهاست. اگر به آنها مراجعه کنید و از وضع کارگران در فلان کشور بگویند، آنها عمدتا معضلی ندارند که در چهارچوب اصول اتحادیه ها به سران فلان حکومت نامه بدهند و در باره دستگیری و یا سرکوب کارگران اعتراض کنند. راست هایشان تذکر قانونی میدهند و چپ هایشان لحن تندتری بکار میبرند. اما اعتصاب علیه دولت و بورژوازی "خودی" در حمایت از کارگران انقلابی و اعتصابی فلان کشور جزو پلانفرم آنها نیست و اساسا ناسیونالیسم نهادی در سیستم اتحادیه های کارگری معمولا اجازه چنین اقداماتی را نمیدهد. اگر جایی مثلا در بندرگاهها اعتصاب کنند، و یا حمل وسائل جنگی و یا کالا به یک کشور را متوقف کنند، اینها یا بیرون سنت حاکم اتحادیه ها شکل میگیرند و یا در تقابل جناح های بورژوازی جای خود را پیدا میکنند. تحریکات شورانی و عمل مستقیم کارگری کلا در بیرون و چه بسا در تقابل با سنت اتحادیه ای قرار میگیرند.

با علم به تمام این محدودیتها و هر نقدی که امثال من متعلق به سنت شورانی طبقه کارگر به اتحادیه های کارگری دارم، من استفاده از همین درجه همبستگی کارگری را بسیار خوب و لازم میدانم. کمپین عظیم دفاع از کارگران نفت و انواع اقدام های دیگر برای جلب همبستگی کارگری در 15 سال گذشته اگر به جنبش کارگری ایران صرف

"جمعی از کارگران ایران خودرو" حتی نمیداند در این مجتمع صنعتی با سی هزار کارگر و انواع شعب و خطوط تولید و مراکز جانبی چه خبر است! اینکه در محافل سکتاریست و ضد تحزب کمونیستی تلاش میشود این جمع را معادل "کارگران ایران خودرو" قلمداد کنند، و یا عین اخبار اعتراض و مبارزات ایران خودروها را که توسط حزب ما مرتبا منتشر شده عامدانه و بارها در سایت ها با حذف نام و منبع خبر و "به نقل" از این "جمع" منتشر کنند، خود موضوعی دیگر است. این رفتارها علیرغم هر ادعای این طیف متلون رفرمیست نسبت به همدیگر، تنها بیانگر ائتلاف اعلام نشده ای علیه یک رگه کمونیستی کارگری مشخص است. اما این مخالفت و تقابل نیز جدید نیست و موضوع بحث این یادداشت نیست. نکته اینست که آنها که دستی در کار دارند بدقت ریاضی طول و عرض و میزان تاثیر و عدم تاثیر و نفوذ کلام این "جمع" را در مجموعه تحریکات کارگران ایران خودرو خوب میشناسند. با اینحال میشود آنها را و بویژه سیاست شان را معادل "کارگران ایران خودرو" فرض کرد و با همین عنوان مخاطب شان قرار دارد و عده ای از دنیا بیخبر و مدعی "حزب" و "جمع" و "فعال کارگری" و تعدادی مسئول سایت های مختلف که وجه اشتراک شان ضدیت با کمونیسم منصور حکمت است را بازی داد و سر کار گذاشت!

"انترناسیونالیسم" صنفی

همبستگی کارگری با

نامه ای به امضای "جمعی از کارگران ایران خودرو" خطاب به کنفرانس سراسری کارگران اتومبیل سازی آلمان منتشر شده است. در این نامه مضامینی وجود دارد که هر نیمه آشنا به ادبیات مارکسیستی و دستکم جملهای سه دهه گذشته چپ ایران را یاد بقایای مانویسم، پوپولیسم و آرزوهای بر باد رفته لیبرالیسم چپ می اندازد. بسیاری اوقات دنده عقب گرفتن و باز کردن مجدد بحث یا بحثهایی که قریب سه دهه پیش صورت گرفته و بفرجام رسیده سخت است. چون آن عقاید غیر کارگری و غیر سوسیالیستی که پرچم سیاسی و وجه معرفه جریانهای معینی بودند روز خودش در تقابل با انتقاد مارکسیستی شکست خوردند. حتی بسیاری از کسانی که به لطف همین نقدهای مارکسیستی از آن عقاید مهجور ناسیونالیستی کنده شدند دیگر سالهاست این فرمولبندیها را بکار نمیبرند. ولی به هر حال، بویژه آنجا که بنام "کارگر" یا توسط کارگر دیدگاههای ناسیونالیستی تکرار میشود، باید اشاره گونه هم شده به ماهیت غیر کارگری این دیدگاهها پرداخت و بر حقانیت نقدهای مارکسیستی تاکید کرد. در حاشیه این نکته هم مهم است که اینجا و آنجا شاهد تلاش بی حاصلی هستیم که تاریخ واقعی را تحریف و وارونه کنند و همزمان عقاید ضد کارگری را با روکشهای جدیدی به بازار بیاورند.

اهمیت این نامه و نقد آن در این نیست که صادر کنندگانش تاثیر ویژه ای بر حرکت و تفکر کارگران ایران خودرو دارند. دقیقا برعکس، اهمیت در اینست که این نامه بنام کارگران ایران خودرو دارد عرضه میشود. حقیقت اما اینست که متأسفانه این

این تلقی در قلمرو کشوری هم نتایج خودش را دارد. اگر قرار باشد مثلا نانوایان از نانواها، قند و شکرپها از قند و شکرپها، نفتی ها از نفتی ها، و ماشین سازان از ماشین سازان حمایت کنند، ما مشکلات بسیار جدی در راه اتحاد و تشکیل طبقه

روح سرگردان بورژوازی صنعتی ...

مان داریم. ما میتوانیم و باید از هر فرصت و منفذ در خدمت اهداف اصولی و پیشبرد مبارزه کارگری استفاده کنیم. در این تردیدی نیست. اما مطلقاً نباید فراموش کنیم که گرایش صنفی و رسته ای مبارزه طبقه کارگر را محدود و مشروط میکنند: در یک کارخانه معین بصورت بخشهای مختلف فنی و ساده و غیره - در یک کشور معین بصورت کارگران یک رشته مشخص- و در سطح جهانی بصورت کارگران صنایع مشابه. این صنفیگری که اساس و فرض آن قبول تقسیم کار رایج در شاخه های مختلف اقتصاد اعم از تولید و خدمات است، و هر روز بعنوان "هویت" توسط طبقه حاکم بازتولید میشود، نمیتواند نقطه عزیمت سیاست طبقه کارگر و گرایش کمونیستی و سوسیالیستی طبقه باشد. ای کاش "جمعی از کارگران ایران خودرو" از همان سطح تلاشهای تاکتونی فعالین کارگری در ایران و خارج عقب تر نمیرفت.

من کارگرم اما نه در سرمایه داری

"جمعی از کارگران ایران خودرو" در نامه شان خطاب به کنفرانس اتومبیل سازان آلمان نوشته اند:

"ساختار مریض گونه صنعت که فقط با رانت خواری می چرخد و نقش سیاست در آن رل مهمی را بازی می کند باعث این مشکلات است. صنعت ایران نه سرمایه داری است نه از قانون سرمایه داری پیروی می کند و نه دولتی است که از قانون دولت بهره مند باشد!"

این دو جمله ناقابل جوهره دیدگاه مشترک کلیه گرایشات

کارگران را شیره بمالد، شما چرا به موکل سرمایه تبدیل شده اید؟

میگویند "صنعت ایران نه سرمایه داری است نه از قانون سرمایه داری پیروی می کند!" از نظر شما مناسبات اقتصادی مسلط در ایران چیست؟ نیمه فئودال نیمه مستعمره؟ کشوری با مناسبات پیشا سرمایه داری؟ آیا در این مناسبات "کارگر" بودن شما اتفاقی و استثنائی بر قاعده است؟ آیا شما در قبال کار مزد میگیرید یا گندم و نان و سرشیر و پشم؟ آیا میشود کارگر بود و مزد گرفت اما در کره دیگری که در آن سرمایه داری نیست خودتان را توضیح دهید؟ آیا این دیدگاهها شما را در کنار عقاید عهد عتیقی ناسیونالیسم چپ و پوپولیسم و حتی عقاید توده ایستی "راه رشد غیر سرمایه داری" قرار نمیدهد؟ میشود توضیح دهید که سرمایه داری چیست و بقول خودتان "صنعت سرمایه داری" کدامست؟ فکر نمیکنید که حتی یک کارگر در همان ایران خودرو که این حرفها بگوشش بخورد از تعجب و صرفا با مشاهده ساده زندگی واقعی اش و دیدن تفاوتهای طبقاتی از این حرف شما دو شاخ گنده در می آورد؟ و اگر همه استدلال شما را قبول کنیم، علی القاعده باید شما برای رشد سرمایه داری ایران به یک سرمایه داری "واقعی" تلاش کنید؟

راستی از نظر شما "دولتی که از قانون دولت بهره مند باشد" یعنی چه؟ آیا کسی مانع دولت احمدی نژاد است از قانون دولتش که بفع او باش سرمایه دار اسلامی تصویب میکند بهره مند باشد؟ اینرا میدانم که عده ای از چپهای دو خردادی و جناحهایی از حکومت میگویند که دولت کنونی که نماینده سرمایه داران است باید به دولت سرمایه داران تبدیل شود. آیا منظور شما اینست؟ مستقل از اینکه شما چه استنباطی از این جمله بدست میدهید، مگر شما وکیل دولت و سرمایه داران و دولتشان هستید که در مورد بهرمندی و عدم بهره مندی سرمایه داران و دولت شان از قانون ضد کارگری حرف میزنید؟ به ما چه ربطی دارد که دولت سرمایه، هر نوعش، از کدام قانون

سوال مهمتر اینست که رابطه سیاست و اقتصاد در کشوری مانند ایران را چگونه توضیح میدهید؟ آیا سیاست و نقش آن در اقتصاد امری کمی است یا اصولاً رابطه ای ارگانیک دارد؟ این بحث شما با بحث عدم دخالت دولت در اقتصاد و محور بودن رقابت و بازار در چگونگی رشد اقتصادی و رقابت سرمایه ها و همینطور تر "دولت کوچک و کم هزینه" راست افراطی چه مرز مشخصی دارد؟ نظم سرمایه داری و یا اقتصاد مد نظر شما که سیاست در آن "رل مهمی" نداشته باشد چه مشخصاتی دارد و مهمتر چه نفعی به حال طبقه کارگر و مزدبگیران دارد؟ سرمایه آدم کم ندارد که از منافعش دفاع کند و سر

ضد کارگری در خدمت تلمبار سرمایه بهرمنند میشود؟ مگر وظیفه و امر طبقه ما این نیست که این دولت را - هرچه که هست - واژگون کند؟

دوست عزیز نویسنده نامه! شمائی که هنوز خودت را بعنوان کارگر در یک سیستم مبتنی به فروش نیروی کار و مزدبگیری برسمیت نمیشناسی، شمائی که بجای تلاش برای اتحاد کارگران علیه دولت مرتجع سرمایه داران اسلامی در موضع وکالت و کمبودهای دولت سرمایه ظاهر میشوید، شمائی که این تصویر نازل را از کارگر یکی از مهمترین مراکز صنعتی ایران به کارگر آلمانی میدهد، تصوراتان اینست که همان کارگران آلمان در این کنفرانس راجع به شما چه بگویند و چگونه فکر کنند؟ واقعا فکر کرده اید که چرا کارگر ایران خودرو حول شما جمع نمیشود و یا شما نمیتوانید مبشر اتحاد کارگران ایران خودرو علیه سرمایه داران این قصابخانه باشید؟ این را لازم است شما و نوع شما بدانید که کارگران پیشرو و کمونیست و سوسیالیست در ایران خودرو، ذره ای از این دیدگاهها را راجع به خود و حتی کارگران کوچکترین کارگاهها که با مناسبات بردگی مطلق اداره میشوند ندارند. این دیدگاهها اساساً متعلق به طبقه کارگر نیست بلکه انعکاس نفوذ دیدگاههای جنبشهای بورژوائی در میان کارگران است و در سطح هر چند محدود هم لطمات خود را به امر اتحاد و تشکل کارگران میزند.

روح سرگردان بورژوازی صنعتی

مشغله شما در این نامه بجز خواستهای برحق آن که در تناقض عمیق با دیدگاههایتان قرار دارد، تصویر دیر آشنای ناسیونالیستی است که آرزوی صنعتی شدن ایران و "سری در میان سرها در آوردن" و استقلال اقتصادی را در سر میپورراند. این افق البته در سیاست ایران قدیمی است. زمانی جبهه ملی پرچمدار آن

روح سرگردان بورژوازی صنعتی ...

پارس خودرو

اخراج گسترده کارگران!

بنا به خبر دریافتی، به دنبال زمزمه های اخراج و بیکار سازی کارگران که از چندین ماه پیش از جانب سرمایه داران و عوامل کارفرما در شرکت پیمانکاری سیکو پارس خودرو عنوان شده بود، از اولین روزهای مهر ماه موج گسترده اخراج و بیکار سازی کارگران شروع شده و همچنان کماکان ادامه دارد. تاکنون بیش از 250 نفر از کارگران در حالیکه هنوز بخشی از دستمزدهای معوقه خود را نیز دریافت ننموده اند از کار اخراج شده اند. بنا به دستور میرزایی مدیر شرکت پیمانکاری سیکو و عنصر منفور ضد کارگری با بیش از 250 نفر کارگری که در پایان شهریور ماه قرارداد کاریشان به پایان رسیده بود قراردادی تمدید نشد. این در حالیست که دهها نفر از کارگران همچنان در برزخ اخراج و بیکاری به بسر میبرند. بهانه میرزایی و مسئولین پارس خودرو برای اخراج کارگران فشارهای اقتصادی و بحران مالی است. مراجعات و پیگیریهای مکرر و تاکنونی کارگران اخراجی به پارس خودرو و مراکز فرمایشی حکومت اسلامی سرمایه داران از قبیل اداره کار و بیمه و ... همگی تا امروز بی نتیجه بوده و کارگران اخراجی و گرسنه به همراه خانواده هایشان هم اکنون برای گذران زندگی با کوهی از مشکلات روبرو هستند.

یکی از کارگران اخراجی میگفت: هدف میرزایی و همدستانش از اخراج ما کسب سودهای بیشتر است چون روال کاری شرکت سیکو برای پارس خودرو ادامه دارد. منتها این حضرات شدت و فشار و ساعات کار را برای کارگرانی که فعلا در آنجا هستند بشدت افزایش داده اند و همچنین به دنبال استخدام و بکارگیری کارگران جدید و ارزان تری هستند!

بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی، امنیت شغلی، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و توقف روند اخراج و بیکار سازیها، یا کار یا بیمه بیکاری مکفی، دریافت فوری دستمزدهای معوقه و 5 روز 6 ساعته کاری در هفته از جمله خواستههای ابتدایی و اولیه کارگران زحمتکش پارس خودرو است. شرکت پیمانکاری سیکو فعلا با بیش از 300 کارگر قراردادی با قراردادهای 89 روزه، یکطرفه و سفید امضا و پایه دستمزد 303 هزار تومانی، ناظر و مجری استخر رنگ پارس خودرو واقع در کیلومتر 10 جاده قدیم کرج میباشد. ساعت کار کارگران از 7 صبح تا 3 عصر و اضافه کاری اجباری به روش بردگی مطلق تا پاسی از شب و ایام تعطیل بنا به صلاحدید کارفرما برقرار است. اکثریت کارگران به دلیل شرایط نامناسب و غیر ایمن کار و استنشاق بوی انواع مواد شیمیایی و رنگ به بیماریهای مزمن و لاعلاج تنفسی از قبیل آسم و تنگی نفس و حساسیت و ... مبتلا شده اند بی آنکه پولی و مجالی برای درمان و استراحت داشته باشند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

13 مهر 1389 - 6 اکتبر 2010

دیگر توسط کارگران در گوشه گوشه دنیا صورت میگیرد. محصولات "مونتاز" همان ایران خودرو دستکم در بازار چندین کشور بفروش میرسد. لابد کارگران این کشورها باید همین گلایه ها را از شرکت ایران خودرو و سایپا و غیره داشته باشند! این عقاید بیش از حد از واقعیات اجتماعی عقب است.

من به این "جمع" و نویسندگان نامه توصیه میکنم رساله "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" منصور حکمت را که سی سال پیش در پاسخ به این نوع دیدگاهها نوشته شده است مطالعه کنند. مباحث متعدد در نقد پوپولیسم و ناسیونالیسم و تحلیل سرمایه داری ایران را مطالعه کنند تا اگر معضل معرفتی است رفع شود. اما اگر این اظهارات تمایلات و حرف دل "جمعی از کارگران ایران خودرو" است، دیگر نه از این آثار و نه از کاپیتال مارکس هم کاری ساخته نیست. "استقلال اقتصادی" در دنیای امروز درست مانند "منافع ملی" از پوچ ترین مفاهیمی است که میتوان پیدا کرد. دیدگاههای عنوان شده در نامه شما در تناقض مهلک با زندگی واقعی هر کارگری است. این دیدگاهها حتی در تناقض با موقعیت هر کارگر غیر صنعتی است که ناچار است برای زنده ماندن کارش و خلافتش را هر روز بفروشد و در قبال آن مزد بگیرد. کارگر باید بدوا استقلال فکری و سیاسی و منافع متمایز طبقاتی خود را بشناسد، درک روشنی از تضاد منافع خود با طبقه سرمایه دار و دولت و حکومت سرمایه داران داشته باشد، و خود را علیه کل این پدیده متشکل کند و سازمان دهد. تنها با این نقطه شروع است که کارگر بعنوان یک طبقه میتواند افق تغییر وضع موجود را پیش روی خود بگذارد و بعنوان یک طبقه متمایز با راه حل متمایز بعنوان رهبر آزادی جامعه بمیدان بیاید.*

بود. زمانی ناسیونال فرمیسم حزب توده در قالب جدیدی آنرا بازسازی کرد. با شکست و دگرپرسی سنت جبهه ملی و حزب توده، گرایشات چپ خلقی و ناسیونالیسم چپ این پرچم را بدوش کشیدند و برای صنعتی شدن ایران و استقلال اقتصادی و رفع "وابستگی به امپریالیسم" و "ناموزنی سرمایه داری" و "تقابل با صنایع مونتاز" اسلحه بدست گرفتند. گلایه شما مبنی بر اینکه "وضعیت خودرو سازی در کشور ما یک صنعت وابسته به کشورهای بزرگ جهان سرمایه داری و خودروسازان بزرگ جهانی است. کار ما فقط مونتازکاری است. کشورهای اروپایی بازارهای کشورهای در حال توسعه را بین خود تقسیم کرده اند، بازار خودرو ایران را به فرانسه (پژو و رنو) داده اند علاوه بر فرانسه کشورهای دیگر مثل کره با (کیا موتور پراید) مالزی با (پروتون) ژاپن، ایتالیا، ترکیه، روسیه، برزیل و چین در بازار خودرو ایران حضور دارند" و ... بروز غلیظ این تمایلات ناسیونالیستی است که مدتها بود میان کارگران و جریانات چپ بی اعتبار شده بود. واقعیت اینست که این روح سرگردان بورژوازی صنعتی است که در کالبد "جمعی از کارگران ایران خودرو" حلول کرده است تا افق بورژوازی ناسیونالیست را بجای افق کمونیستی بگذارد و کارگر را به اسارت بورژوازی دربیارد. اگر شما خودتان را جای کارگر این کشورها بگذارید در قبال چنین اظهاراتی چه میگویند؟ مگر کارگران این کشورها نان من و شما را خورده اند؟ مگر ما با نظامی روبرو هستیم که کارگر در هر کشوری برای نیازهای همان کشور تولید کند؟ این سرمایه داری جهانی است که تقسیم کاری دارد و در این تقسیم کار جهانی مواد اولیه و قطعات و تکنولوژی تولید و توزیع و بازار فروش همان اتومبیل و میلیونها کالای

اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۵ - لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند.

ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه،

پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجانیدن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۶ - تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

برابری زن و مرد،

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۴ - برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت

سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشینند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رنوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

۱ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲ - تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳ - برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زحمت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به

علیه گرانی و فقر!

وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر ...

برافراشت.

۷ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب به اتفاق آراء،

ژوئن ۲۰۰۸

رادیو ماهواره ای ۲۴ ساعته

یک دنیای بهتر

رادیو ۲۴ ساعته "یک دنیای بهتر"، برنامه های رسمی خود را از طریق ماهواره و اینترنت از روز ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ برابر با ۴ اوت ۲۰۱۰ آغاز کرده است. لطفا مشخصات رادیو را به اطلاع عموم برسانید و ما را از کیفیت پخش مطلع کنید.

مشخصات رادیو ماهواره ای یک دنیای بهتر:

Satellite: TelStar 12 , Transponder: 10 ,
Horizontal: QPSK 2/3 , Symbol Rate:
19279

سایت رادیو:

<http://www.wupradio.org>

ای میل جدید رادیو:

wup1917@mail.com

"صدای کمونیسم کارگری" برنامه حزب اتحاد

کمونیسم کارگری هر شب ساعت ۹ به وقت تهران از کانال رادیو یک دنیای بهتر پخش میشود.

به "صدای کمونیسم کارگری"، صدای کارگران کمونیست، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و نسل جدید، صدای متعهد به حقیقت و مقابله با خرافات و ارتجاع سیاسی، صدای مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی گوش کنید و شنیدن آن را به دوستانتان توصیه کنید.

اطلاعیه دوم 10 اکتبر روز جهانی علیه اعدام

فراخوان عمومی!

10 اکتبر روز اعتراض وسیع علیه اعدام، علیه رژیم اسلامی

10 اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام است. این روز فرصت مناسبی است برای سازماندهی یک اعتراض وسیع نه تنها علیه مجازات غیر انسانی و قرون وسطایی اعدام، بلکه علیه رژیم صد هزار اعدام اسلامی. "اعدام قتل عمد دولتی است" بهترین توصیف از این آدمکشی سازمانیافته است. مجازات اعدام، علیرغم اعتقاد برخی، جنایت را کاهش نمی دهد، بلکه موجب افزایش خشونت می شود. برای ایجاد یک جامعه انسانی تر باید مجازات اعدام ملغی شود.

تاریخ دولت های سرکوبگر از مجازات اعدام بمنظور سرکوب مخالفین بهره جسته اند. برقراری یک نظام مختنق و سرکوبگر محتاج اعدام است. رژیم اسلامی بهترین نمونه این واقعیت دردناک است. فقط در دهه شصت این رژیم جنایتکار حدود صد هزار انسان را در زندان های مخوف خود اعدام کرده و در گورهای دستجمعی و ناشناس مدفون نموده است. باید این رژیم جنایتکار را به زیر کشید و تمام سران آن طی سی و یک سال گذشته را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. این تنها راه تسلائی نسی میلیون ها داغیده است. محاکمه سران نظام اسلامی اجرای گوشه ای از عدالت است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمام سازمان های چپ، سوسیالیست و آزادیخواه و تمام افراد انسان دوست را فرا می خواند که روز 10 اکتبر را به یک روز اعتراض وسیع علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی بدل کنند. در هر شهری که هستید، تجمع کنید و صدای اعتراض خود را بگوش جهانیان برسانید. اطلاعات مربوط به تظاهرات خود را به ما اطلاع دهید تا از طریق رادیوی 24 ساعته یک دنیای بهتر، تلویزیون یک دنیای بهتر، نشریه و سایت حزب به اطلاع عموم برسانیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۳۱ شهریور ۱۳۸۹

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری میرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

در مقابل آن ارائه دهند. واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرک و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و تامین سازمان و رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶ - کمونیسم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکتبار اقتصادی قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست.

ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی

طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیایی است که بر تمام امکانات جامعه چنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵ - مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی

اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳ - نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی-اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جناحی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزیی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دائمی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی

۱ - گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتیهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکفی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم انداز واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲ - با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوازی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسحگویی به فشار پائینی ها از جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم